**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه**89 **– 10/ 7/ 1397 آیات سوره1-7 طلاق /آیات عده در قرآن /کتاب العدد**

خلاصه بحث:

در جلسه گذشته برخی از فقرات آیه اول سوره طلاق معنا شد. در این جلسه استاد معظم به بررسی فقره «**الّا ان یأتین بفاحشه مبینه**» پرداخته، معنای الّا منقطعه را تحلیل خواهند کرد. در ادامه مبحث معنای مطرح شده در تفسیر ماتریدی تبیین می‌گردد و به آن اشکال می‌شود. در پایان، استاد گرامی اقوال مختلفی در رابطه با معنای «**فاحشه مبیّنه**» ارائه خواهند داد.

**الّا ان یأتین بفاحشة مبیّنة**

در جلسه گذشته بیان نمودیم که عبارت «**الّا أن یأتین بفاحشة مبیّنة**» از جمله «**لا تخرجوهنّ**» استثاء شده است نه جمله «**لا یخرجن**». در ترکیب نحوی جمله «**الّا أن یأتین بفاحشة مبیّنة**» باید به این نکته توجه داشت که کلمه «**أن یأتین**» تأویل به مصدر رفته، چنین معنا می‌شود: «**الّا الاتیان بفاحشة مبیّنة**». کلمه «**اتیان**» منصوب به نزع خافض است و مراد از جمله چنین خواهد بود: «**لا تخرجوهنّ فی وقت من الاوقات الا فی وقت الاتیان بفاحشة مبیّنة**».

همانطور که در جلسه گذشته بیان شد، صاحب تفسیر روح البیان احتمال داده‌اند که معنای این فقره نظیر جمله «**لا تکذب الا ان تکون فاسقا**» باشد[[1]](#footnote-1). ما عرض کردیم که این معنا صحیح نیست. اکنون دلیل دیگری بر بطلان این سخن اقامه می‌کنیم. توضیح مطلب اینکه: امر و نهی نباید مقید به کسی باشد که در حال انجام یا ترک آن فعل است؛ به عبارت دیگر در امر و نهی انجام دادن یا ندادن آن فعل نباید مفروض باشد و به تعبیر علماء، امر و نهی باید به نحو **لا بشرط** از وجود و عدم اخذ شود؛ مثلا جمله «ای کسی که در حال نماز خواندن هستی، نماز بخوان» از آن جا که ضرورت به شرط محمول است، صحیح نیست. کما اینکه جمله «ای کسی که در حال ترک نمازی، نماز بخوان» بی‌معناست. در ما نحن فیه اگر گفته شود «**فاحشه مبیّنه**» همان خروج از خانه است، معنای جمله چنین خواهد بود: «**لا یخرجن الا فی وقت الخروج**» و حال آنکه این معنا صحیح نیست و تأویلی بلا وجه است. جمله «**لا تکذب الا ان تکون فاسقا**» نیز به همین صورت است و اگر مراد از فسق، همان عمل کذب باشد صحیح نیست. بلی در صورتی که مراد از فسق، فسق شأنی باشد (یعنی: ای کسی که اگر من تو را نهی بکنم اطاعت میکنی، دروغ نگو) اگر چه معنای صحیحی دارد، اما بسیار خلاف ظاهر است.

**تحلیل معنای الّا منقطعه**

یکی از احتمالات مطرح شده در تفسیر ماتریدی، منقطعه بودن استثناء بود: **«ومن حمله علی قوله: (وَلَا یَخْرُجْنَ)؛ فإنه یجعل معنی قوله: (إِلَّا) علی معنی: لکن؛ کما قیل فی قوله تعالی: (لَا یَسْمَعُونَ فِیهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا)، أی: لا یسمعون فیها لغوا، ولکن سلاما»**[[2]](#footnote-2). در تحلیل حقیقت استثناء منقطعه اختلاف وجود

دارد. بعضی قائلند که در استثناء منقطعه، کلمه «**الّا**» به معنای «**لکن**» است. برخی دیگر قائل به این هستند که «**الّا**» به معنای «**لکن**» نیست بلکه مستثی‌منه مقدری در کلام وجود دارد؛ مثلا تقدیر جمله «**ما جائنی الا حمارا**» چنین است: «**ما جائنی احد من الانس و لا من غیر الانس الا حمارا**». جناب والد در بحث بیع، ذیل آیه ﴿ **لاَ تَأْکُلُوا أَمْوَالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْبَاطِلِ إِلاَّ أَنْ تَکُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ** [[3]](#footnote-3)﴾ فرموده‌اند: با مراجعه به موارد استعمال استثناء منقطع در قرآن به دست می‌آید که مفاد کلمه «**الّا**» حصر است.

به نظر ما نیز کلام جناب والد صحیح است لکن در تحلیل این سخن می‌گوییم: اگر «**الّا**» به معنای «**لکن**» باشد، به معنای استدراک خواهد بود. اما استدراک در جایی است که توهمی در مقام وجود داشته باشد؛ مثلا در آیه **﴿لا یسمعون فیها لغوا الّا سلاما﴾**[[4]](#footnote-4) گویا بعد از نفی سماع لغو، این سوال ایجاد می‌شود که آنها در بهشت چه صداهایی را می‌شنوند؟ این سوال، هیچ ارتباطی به جمله ما قبل ندارد بلکه با بیان جمله سابق، سوالی در ذهن شکل می‌گیرد که با **الّا** جواب داده می‌شود. خداوند در جواب از این سوال می‌فرمایند: **الّا [أی: لکن] سلاما**. از این رو با استدراک و با کلمه **الّا** این توهم که «هیچ صدایی در آنجا وجود ندارد» برداشته می‌شود. بعد از بیان جمله ﴿**لاَ تَأْکُلُوا أَمْوَالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْبَاطِل**﴾ِ گویا این سوال ایجاد می‌شود که آیا از هیچ راه دیگری نباید امرار معاش صورت پذیرد؟ خداوند در مقام بیان طریق جایگزین می‌فرماید: ﴿**إِلاَّ أَنْ تَکُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ**﴾. اینکه خداوند در مقام بیان طریق جایگزین تنها به بیان یک طریق بسنده می‌کند، از این اطلاق مقامی به دست می‌آید که طریق جایگزین مذکور، طریق منحصره است.

**دلالت استثنای منقطعه بر مبالغه**

**نکته**: معنای حقیقی «**ما جائنی الا الحمار**» به این معناست که هیچ انسانی نزد من نیامد، لکن به قرینه استثناء منقطعه، جمله مذکور تجوزاً معنایی وسیع‌تر خواهد داشت و مراد از آن این است که «من تنهای تنها نبودم، بلکه حماری هم در کنار من بود». این معنای وسیع، سبب می‌شود که خلوت شخص به صورت مبالغه‌آمیزتری فهمیده شود؛ یعنی در خلوت شخص نه تنها هیچ انسانی وجود نداشت بلکه هیچ موجود زنده دیگری غیر از حمار نیز وجود نداشت. از این رو گفته‌اند: استثنای منقطع بر مبالغه دلالت دارد.

**اشکال استاد بر بیان تفسیر ماتریدیه**

 مستثنی‌منه مقدر، با قرینه‌ای که در جمله وجود دارد، تعیین می‌شود و چنین نیست که بتوان هر کلمه‌ای را در تقدیر گرفت؛ مثلا در جمله «یقین دارم خداوند رحمان و رحیم است یقین دارم شیطانِ رجیم است» نمی‌توان گفت تقدیر کلام چنین است: «خداوند، خالقِ شیطان رجیم است». اینکه در تفسیر

ماتردیدی عبارت «**لا یخرجن الا الاتیان**[[5]](#footnote-5) **بالفاحشة**» به معنای «**لکن الخروجُ اتیانٌ بالفاحشه**» و یا به معنای «**لکن یخاف علیهنّ بالفاحشه**» دانسته شده[[6]](#footnote-6)، امری غریب است؛ چرا که در تقدیر گرفتن کلمه «**الخروج**» و یا کلمه «**یخاف**» منشأی ندارد.

**معانی مطرح شده در رابطه با «الّا ان یأتین بفاحشة مبینة»**

معنای مختلفی در رابطه با آیه ﴿**الّا ان یأتین بفاحشة مبینة**﴾ ذکر شده است:

**معنای اول**: اگر زنی مرتکب زنا شد، برای اجرای حد از خانه خارج می‌شود بدون آنکه حق سکنای او ساقط گردد. برخی این قول را پذیرفته‌اند.

**معنای دوم**: در مقابل برخی دیگر گفته‌اند معنای آیه چنین است: اگر زنی مرتکب زنا شد، حق سکنای او ساقط می‌شود؛ چرا که حق سکنی به زن عفیفه تعلق دارد.

منشأ اختلاف این دو برداشت، نحوه تفسیر «**لا تخرجوهنّ**» است؛ توضیح کلام اینکه اگر «**لا تخرجوهنّ**» به عنوان حق سکنای زن تلقی شود، در این صورت این حق سکنی با ارتکاب عمل زنا، ساقط می‌شود. اما اگر «**لا تخرجوهنّ**» حکم شرعی باشد (نه حق زن و یا مرد) در این صورت، این حکم با عمل زنا ساقط نمی‌شود و زن تنها برای اجرای حدّ از خانه خارج می‌شود.

در تفسیر بیضاوی در توضیح این استثناء آمده است:

**و قوله: «إِلَّا أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ» مستثنی من الأول، و المعنی إلا أن تبذو علی الزوج فإنه کالنشوز فی إسقاط حقها، أو إلا أن تزنی فتخرج لإقامة الحد علیها**[[7]](#footnote-7)

یعنی اگر معنای آیه این باشد که زن به سبب اجرای حدّ از خانه خارج می‌شود، در این صورت استثنای از اول (**لا تخرجوهنّ**) خواهد بود. لکن حاشیه الشهاب (که حاشیه‌ای بر تفسیر بیضاوی است) اشکال کرده، می‌گوید: اگر مراد آیه خروج زن از خانه به سبب اجرای حدّ باشد، در این صورت تنها از «**لا تخرجوهن**» استثناء نشده است بلکه از «**لا یخرجن**» هم استثناء صورت گرفته است[[8]](#footnote-8).

**معنای سوم**: از آنجا که زنا، مصداق نشوز است، حق سکنی زن ساقط می‌شود. برداشت بنده از کلام سید یزدی; چنین است که ایشان آیه ﴿الّا ان یأتین بفاحشة مبینة﴾ را به معنای «**الّا ان تکون المرأة ناشزة**» معنا می‌کنند. از این رو اگر زنی با شوهر خود بد اخلاقی ‌کند، مشمول این آیه خواهد شد[[9]](#footnote-9).

**معنای چهارم**: معنای دیگری که در رابطه با ﴿ الّا ان یأتین بفاحشة﴾ مطرح است، سوء خلق داشتن زن با شوهر یا خانواده شوهر است. بر اساس این معنا باز هم این سوال مطرح می‌شود که آیا سوء خلق زن، **بذاته** مسقط حق سکنی است یا **بما هو نشوزٌ** ملاک است؟ زیرا ممکن است گفته شود حق سکنای معتدّة، امتداد همان حق سکنی در حالت مزوجة است و از آنجا که حق سکنای مزوّجه با نشوز ساقط می‌شود، حق سکنای معتدّه نیز با نشوز ساقط می‌گردد. در صورتی که **بما هو نشوز** ملاک باشد، در این صورت اموری مانند زنا، سوء خلق و ... مصادیق آن امر عام خواهند بود.

**معنای پنجم**: مراد از فاحشه، مطلق معصیت است. لکن به نظر می‌رسد این معنا مسامحی است و باید مطلق معصیت ظاهره اراده شده باشد؛ زیرا چنین فرض می‌کنیم که کلمه «**فاحشه»** به معنای مطلق معصیت باشد، اما از آنجا که مقیّد به «**مبیّنه**» شده است، باید مطلق معصیت ظاهره اراده شود. علی ایّ حال، مرحوم سید یزدی ره این معنا را مستبعد می‌شمارد.[[10]](#footnote-10)

**تعبیر فاحشه مبینه در قرآن**

در قرآن تعبیر «فاحشة مبینه» در سه مورد استعمال شده است:

**1. ﴿وَ لاَ تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَیْتُمُوهُنَّ إِلاَّ أَنْ یَأْتِینَ بِفَاحِشَةٍ مُبَیِّنَة**﴾**ٍ** [[11]](#footnote-11)

**2. ﴿یَا نِسَاءَ النَّبِیِّ مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ یُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَیْن**﴾**ِ** [[12]](#footnote-12)

**3. ﴿یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَ أَحْصُوا الْعِدَّة**﴾**َ** [[13]](#footnote-13)

گمان می‌کنم کلمه فاحشه در 29 مورد در قرآن به کار رفته است. باید به این سوال پاسخ داد که **فاحشه مبینه** و **فاحشه** (بدون قید **مبیّنه**) به چه معناست. در جلسه آینده این مسئله بررسی خواهد شد.

**و صلی الله علی سیّدنا و نبینا محمد و ال محمد**

1. روح البیان، اسماعیل حقی، ج10، ص29. [↑](#footnote-ref-1)
2. تفسير الماتريدي (تأويلات أهل السنة)، المَاتُرِيدي، أبو منصور ، ج10، ص51. [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره نساء آیه 29 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره مریم آیه 62 [↑](#footnote-ref-4)
5. «أن یأتین» تأویل به مصدر میرود و «الاتیان» میشود. [↑](#footnote-ref-5)
6. تفسير الماتريدي (تأويلات أهل السنة)، المَاتُرِيدي، أبو منصور ، ج10، ص51.

(وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ) فكأنه قال: لا يخرجن، ولكن إذا خرجن فخروجهن فاحشة، ويدل هذا على أن النهي لنفس الخروج، لا للانتقال. ووجه آخر في ذلك، وهو: ألا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشة، فإنهن إذا خرجن، خشي عليهن أن يأتين بفاحشة مبينة [↑](#footnote-ref-6)
7. انوار التنزيل واسرار التاويل، بیضاوی، ج5، ص220. [↑](#footnote-ref-7)
8. حاشيه الشهاب علي تفسير البيضاوي، شهاب الدين أحمد بن محمد الخفاجي، ج19، ص128. [↑](#footnote-ref-8)
9. تکملة العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص117. [↑](#footnote-ref-9)
10. تکملة العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص117. [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره نساء آیه 19 [↑](#footnote-ref-11)
12. سوره احزاب آیه 30 [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره طلاق آیه 1 [↑](#footnote-ref-13)